

Educational Wisdom from the Perspective of Imam Ali in Nahjul-Balagha

Zeinab Safarpour¹

Department of Educational Sciences, Hoda Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom, Iran.

Abstract

The sermons, letters, and aphorisms of Nahj al-Balagha are a boiling sea of knowledge, virtue, education, and valuable human knowledge. The present study on the subject of educational wisdom from the perspective of Imam Ali (AS) has been prepared with the consideration of the increasing social harms in society and the necessity of reforming educational methods using a library method and based on description and analysis. This study examines the educational points and teachings of Nahjul-Balagha, which are discussed in four different sections: First, the use of stories and a summary of the educational stories of Nahjul-Balagha along with their results; in the second section, it examines the duties of the teacher and the learner in the educational process, introducing the teacher as a guide and the training process as a guide. Then, guidance points towards good things using virtues and vices, and finally, he examines the letter of Imam Ali (AS) to Imam Hassan (AS). In addition, he examines the recommendations of this letter and discusses some tips for making the words more effective. Many educational teachings were extracted from the heart of Nahjul-Balagha, and due to lack of time, the most important ones have been mentioned; these teachings include: the transience of the world, the importance of covenants and promises, piety, the upbringing and necessity of educating children, trust in God, justice and fairness, the virtue of silence and stillness, avoiding laziness, avoiding company with ignorant people, and consulting with wise people.

Keywords: Educational Literature, Nahjul-Balagha, Guidance, Advice.

¹ Zeinabsafarpour6@gmail.com

حکمت‌های تعلیمی از نگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه

زینب صفرپور¹

گروه علوم تربیتی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی، قم، ایران.

چکیده

خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار نهج البلاغه دریای جوشانی از علم، فضل، تعلیم و تربیت و معارف ارزنده بشری است. پژوهش حاضر با موضوع حکمت‌های تعلیمی از نگاه حضرت علی (ع) با توجه به افزایش آسیب‌های اجتماعی در جامعه و ضرورت اصلاح روش‌های تعلیمی با روش کتابخانه‌ای و بر پایه توصیف و تحلیل تهیه شده است. این پژوهش به بررسی نکات و آموزه‌های تعلیمی نهج البلاغه می‌پردازد که این نکات در چهار بخش مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد: نخست، استفاده از داستان و خلاصه‌ای از داستان‌های آموزنده نهج البلاغه به همراه نتایج آنها؛ در بخش دوم به بررسی وظایف مربی و مربی در فرآیند تعلیم پرداخته و مربی را به‌عنوان راهنما و فرایند تربیت را به‌منزله یک راهنما معرفی کرده است. سپس هدایت به سمت خوبی‌ها با استفاده از فضیلت‌ها و رذیلت‌ها اشاره کرده و در آخر به بررسی نامه امام علی (ع) به امام حسن (ع) پرداخته است. ضمن آن توصیه‌های این نامه را بررسی کرده و نکاتی برای تأثیرگذاری بیشتر کلام در آن بررسی شده است. آموزه‌های تعلیمی فراوانی از دل نهج البلاغه استخراج شد که به دلیل کمبود وقت به مهمترین آنها اشاره شده است؛ این آموزه‌ها عبارتند از: گذرابودن دنیا، اهمیت عهد و پیمان، پرهیزکاری، تربیت و لزوم علم آموزی به فرزندان، توکل بر خدا، عدل و دادگری، فضیلت سکوت و خاموشی، دوری از تنبلی، دوری از مصاحبت با انسان جاهل و مشورت با خردمندان.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تعلیمی، نهج البلاغه، هدایت، پند و اندرز.

¹ Zeinabsafarpoor6@gmail.com

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه است. در لغت‌نامه دهخدا در ذیل این کلمه آمده است: «ترکیب عطفی به معنی آموزش و پرورش فنی که آموزاندن صحیح متکی بر اسلوب‌های علمی و معرفت‌النفسی بر آن استوار است. هر معلمی برای ابراز حرفه خود به فراگرفتن آن نیازمند است و به همین دلیل یکی از رشته‌های تحصیلی بزرگ دانشکده‌ها و دانشگاه‌های جهان را تشکیل می‌دهد.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه)

تمام جوامع در پی این هستند که افرادی با اخلاق و ارزشمند تربیت کنند. در اسلام نهج البلاغه یکی از مهمترین منابعی است که سخنان حضرت علی (ع) در آن گردآوری شده است. حضرت علی (ع) به‌عنوان فردی آگاه دیدگاه‌های مهمی درباره حکمت‌های عالی و ادبیات تعلیمی دارد که می‌تواند راهنمای خوبی برای زندگی افراد باشد. امروزه که جامعه با افزایش مشکلات اخلاقی و اجتماعی و کاهش سن آن رو به رو است، استفاده از این آموزه‌ها می‌تواند سودمند واقع شود.

این مجموعه بی‌نظیر سرچشمه و آبشخور فصاحت و منشأ بلاغت است و به جهت اشمال بر نکات تعلیمی و تربیتی مورد اهتمام بزرگان و سخنوران قرار گرفته است. جاحظ، عبدالحمید کاتب، ابن مقفع و ابن نباته موقت خود در عرصه سخنوری را مرهون خطبه‌ها و کلمات قصار علی (ع) دانسته‌اند. «سخنان امیرالمؤمنین همانگونه که بر ادب عربی تأثیر گذاشته، بر ادب فارسی نیز تأثیر فراوان و گسترده داشته است، زیرا در آثار شعرای فارسی زبان پیش از تألیف نهج البلاغه یا همزمان و کمی پس از آن جمله‌ها و مطالبی یافت می‌شود که متأثر از کلام امام علی (ع) است.» (راثی، ۱۳۸۳: ۱۶)

در اشعار زیر از رودکی تأثیر کلام نهج البلاغه مشهود است:

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است
 نیکی او به جایگاه بد است آن شادی او به جای تیمار است
 چه نشینی بدین جهان هموار که همه کار او نه هموار است
 (رودکی، ۱۳۷۳: ۱۰۱)

در نهج البلاغه نیز کار دنیا برعکس است: «به راستی که کار دنیا وارونه و ناقص است، گوارایی هایش ناگوار، بخشش هایش گلوگرفتنی.» (آمدی، ۱۳۸۷: ۲۸۶)

این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای و بر پایه توصیف و تحلیل گردآوری شده، درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه چه راهکارهایی برای تربیت فردی و اجتماعی ارائه می‌کند؟
 ۲. امروزه چگونه می‌توان از آموزه‌های نهج البلاغه در روش تربیتی بهره گرفت؟
- با وجود مشکلات اخلاقی و تربیتی که امروزه با آن روبه‌رو هستیم بسیاری از خانواده‌ها و افراد نیاز به راهکارهای مؤثر برای تربیت بهتر دارند آموزه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌تواند به عنوان یک منبع مهم و کاربردی برای حل این مشکلات استفاده شود؛ این تحقیق می‌تواند کمک کند تا اصول تربیتی حضرت علی (ع) بهتر شناخته شود و راهکارهای عملی برای تربیت خانوادگی و اجتماعی ارائه دهد. در این موضوع مقاله‌های خوبی نوشته شده است که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

پیشینه تحقیق

۱. رضایی، محمدعلی (۱۳۹۸)، در این مقاله، نویسنده به بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در نهج البلاغه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که حضرت علی (ع) با تأکید بر اصولی نظیر صداقت، عدالت و عشق به خدا انسان‌ها را به سوی تربیت اخلاقی و اصولی هدایت کرده است.
۲. کاظمی، محسن (۱۳۹۷)، این پژوهش به بررسی نقش آموزه‌های حضرت علی (ع) در تربیت نسل جوان پرداخته و نشان داده است که آموزه‌های حضرت علی (ع) می‌تواند در کاهش خشونت و افزایش حس مسئولیت‌پذیری در میان جوانان تأثیر بسزایی داشته باشند.
۳. مهدوی، زهرا (۱۳۹۶)، نویسنده به مقایسه روش‌های تربیتی نهج البلاغه و قرآن کریم پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر دو منبع با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، عدالت و بهره‌وری از معرفت‌النفس، نقش مؤثری در تربیت فردی و اجتماعی انسان‌ها دارند.

۴. محمدی، علی (۱۳۹۵)، این پژوهش به تحلیل تاثیر آموزه‌های حضرت علی (ع) پرداخته و نشان داده است که این آموزه‌ها می‌توانند به عنوان راهکارهایی مؤثر در کاهش مشکلات اخلاقی و تربیتی در جوامع معاصر مورد استفاده قرار گیرند.

۵. نظری، حسین (۱۳۹۴)، نویسنده در این مقاله به بررسی اهمیت نهج البلاغه در تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که آموزش اصولی از این منبع ارزشمند می‌تواند مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای مثبت فردی و اجتماعی باشند.

نگارنده با بررسی مقالات نام برده نگاهی جزئی‌تر بر این کتاب پربار را در کار خود یک ضرورت دانست و با استخراج راهکارهای عملی‌تر را از آن سعی بر ارائه یک راهنمای عملی برای افراد دغدغه‌مند در موضوع تعلیم و تربیت دارد به طوری که افراد دخیل در این فرایند که نقشی بسیار سنگین را در جامعه پذیرفته‌اند و مشتاقانه به دنبال راهنما و دستورالعمل هستند با این نکات بتوانند اصلاحاتی در روش تربیت خود داشته باشند.

۲. بحث و بررسی

پژوهشگر در تحقیق حاضر به دنبال بررسی راهکارهای عملی تربیت از نگاه حضرت علی (ع) در کتاب نهج البلاغه است؛ این راهکارها در چهار دسته اصلی بررسی می‌شود: تربیت و قصه‌گویی، تربیت به سمت خوبی‌ها به وسیله تشریح فضیلت و رذیلت‌ها، تربیت به‌عنوان راهنمایی و معلم به‌عنوان راهنما و تربیت غیرمستقیم که در ذیل پژوهش به توصیف و تشریح آن می‌پردازد.

۲-۱. تربیت و قصه‌گویی

با بررسی نهج البلاغه و نگاه تربیتی به آن درمی‌یابیم که حضرت علی (ع) برای بیان مسائل بسیار از داستان استفاده می‌کند و همان‌طور که می‌دانیم نهج البلاغه بعد از قرآن کریم از منابع مهم مسلمانان و به‌خصوص شیعیان برای تقلید و استفاده در امور زندگی است. پس می‌توان قصه‌گویی را یک ویژگی مناسب برای مربی در نظر گرفت در این قسمت گزیده‌ای از داستان‌های نقل شده در نهج البلاغه به همراه خلاصه از آن آورده شده است.

۱-۱-۲. داستان ابلیس و تکبر که در خطبه‌های ۱ و ۱۹۳ بیان شده است و امام علی (ع) به سرپیچی ابلیس از سجده بر آدم اشاره می‌کند ابلیس به دلیل تکبر و غرور فرمان خدا را نادیده گرفت و از رحمت الهی دور شد.

۲-۱-۲. داستان قوم عاد و ثمود که در خطبه‌های ۱۹۳ و ۱۸۲ تکرار شده است که به گرفتاری این قوم به عذاب الهی در نتیجه ظلم تکبر خودشان و سرپیچی از پیامبرانشان اشاره دارد.

۳-۱-۲. داستان فرعون که در خطبه‌های ۱ و ۲۱۰ ذکر شده است امام علی (ع) با بیان آن تأکید بر عدالت الهی در برابر ظلم و تکبر و پیامدهای سرکشی دارد.

۴-۱-۲. داستان قارون در خطبه ۲۰۹ بیان شده است و درباره عاقبت ثروت اندوزی و هشدار به انسان‌ها درباره استفاده درست از ثروت و مغرور نشدن است.

۵-۱-۲. داستان حضرت آدم (ع) و دنیا که در خطبه ۱۹۳ بیان شده است به ماجرای هبوط حضرت آدم (ع) اشاره و دنیا رو به عنوان محل آزمون معرفی می‌کند این داستان تأکید بر اهمیت هوشیاری در برابر فریب دنیا دارد.

۲-۲. تربیت به سمت خوبی‌ها به وسیله تشریح فضیلت و رذیلت‌ها.

حضرت علی (ع) به عنوان یک مرجع بزرگ تربیتی که در محضر ایشان افراد برجسته و زیادی رشد یافته‌اند و از آنجا که انسان را اشرف مخلوقات دانسته‌اند؛ تنها به بررسی نکاتی پرداخته و در نهایت انسان را مختار به انتخاب راه خود دانسته‌اند در ادامه مثال‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم:

۱-۲-۲. بیان نقطه ضعف‌های انسان و روش تعدیل هر کدام.

حضرت علی (ع) قلب را یک نقطه ضعف و توصیه ایشان برای حفظ آن بهره بردن از موعظه می‌داند بعد از آن هوای نفس را نام برده و از زهد به عنوان روشی برای تعدیل آن یاد می‌کند. «هوای نفس را با بی‌اعتنایی برزق و برق دنیا بمیران»؛ سپس به دل اشاره می‌کنند و در خصوص تقویت این ضعف می‌فرمایند: «دل را با یقین نیرومند سازد و با حکمت و دانش نورانی و با یاد مرگ رام کن و آن را به اقرار به غنای دنیا وادار با نشان دادن فجایع دنیا آن را بینا و از هجوم حوادث روزگار و زشتی‌های گردش شب و روز آن را برحذر دار.»

۲-۲-۲. اهتمام بر زمان و توجه به فرا رسیدن مرگ.

اتمام فرصت و استفاده درست از سرمایه‌ها از مهمترین توصیه‌های حضرت علی (ع) در کتاب نهج البلاغه است آن چنان که حضرت می‌فرمایند: ای بندگان خدا از هم اکنون به هوش باشید و اعمال صالح انجام دهید در حالی که هنوز زبان‌ها آزاد بدن‌ها سالم اعضا و جوارح آماده؛ محل رفت و آمد وسیع و مجال بسیار است؛ به هوش باشید پیش از آنکه فرصت از دست برود و مرگ فرا رسد؛ آمدن مرگ را مسلم و تحقق یافته شمارید نه آنکه منتظر آن باشید که در عمل سستی و تأخیر کنید.»

۲-۲-۳. حضرت علی (ع) با بیان آثار مثبت بعضی از اعمال نیک افراد را برای انجام آن برمی‌انگیزند.

«تقوا و ترس از خدا داروی بیماری‌های قلب، بینایی دل‌ها، شفای آلام جسمانی، صلاح و مرهم زخم‌های جان‌ها، پاکیزه کننده آلودگی ارواح، جلای نابینایی و چشم‌هاست» و همچنین در عبارتی دیگر می‌فرمایند: «اطاعت او را امیر و فرمانده خود راه ورود به آنگاه (زندگی)، شفیع برای رسیدن به خواسته‌ها، سپر برای روز اضطراب، چراغ داخل قبرها، آرامش برای وحشت‌های طولانی و راه گشایش برای لحظات سخت و مشکل زندگی خود قرار دهید. زیرا اطاعت خداوند وسیله نگهدارنده‌ای است از حوادث هلاک کننده و از وحشتگاه‌هایی که انتظار آن را دارید و از حرارت آتش‌های برافروخته شده آن کس که دست به دامن تقوا زند، شرایط سختی‌ها پس از نزدیک شدن وی دور گردند.

تلخی‌ها شیرین، امواج ناراحتی‌های متراکم ازهم گشوده، مشکلات پی در پی و خسته کننده آسان، مجد و عظمت بزرگواری‌های از دست رفته همچون باران دانه درشت بر او فروبارند، رحمت قطع شده خداوند به او عطف توجه کند، نعمت‌ها پس از فرونشستن به جوشش آید و برکات کم شده به فراوانی بر او بیارند.»

۲-۳. تربیت به عنوان راهنمایی و مربی به عنوان راهنما

با نگاهی دقیق تر به نهج البلاغه که مجموعه سخنان حضرت علی (ع) است درمی‌یابیم که آن حضرت در عنوان‌های مختلف؛ پدر، رهبر جامعه و حتی یک عالم دینی نکات تربیتی را با نهایت هنر و عبارات زیبا به گونه‌ای بیان می‌کند که بیننده و شنونده سخنان را چون چراغی که روشنگر درستی و حقیقت است دیده و

گام در مسیر حق می‌نهد به نظر می‌رسد آن حضرت تاکید بیشتری بر درونی‌سازی ارزش‌ها در افراد دارند و معلم را موظف به راهنمایی و نه واداشتن و تلقین مفاهیم ارزشمند می‌کند در ادامه مثال‌هایی از سخنان و پندهای امام علی (ع) آورده شده که بیانگر این موضوع است.

۱-۳-۲. معرفی اسلام با کلماتی زیبا و تاثیر گذار با هدف دعوت افراد.

«خداوند اسلام را طوری تبیین کرده که هرگز پیوندهایش دچار شکست نشود؛ حلقه‌هایش گسسته نگردد، اساس و ریشه‌اش ویرانی نپذیرد، در پایه‌هایش زوال راه نیابد درخت وجودش برکنده نشود؛ حلقه‌هایش گسسته نگردد، قدش پایان نگیرد، قوانینش غبار کهنگی به خود راه ندهد، شاخه‌هایش قطع نگردد، ضیق و تنگی در راه‌هایش یافت نشود، سهولت آن دشواری نپذیرد تیرگی در روشنایی‌اش به چشم نخورد و در طریق مستقیمش کژی راه نیابد، ستونش پیچیدگی نبیند و در جاده‌های وسیع آن لغزندگی نباشد، در چراغ‌هایش خاموشی و در شیرینی‌اش تلخی پیدا نشود. بنابراین آیین اسلام ستون‌هایی است که خدا آن را در اعماق حق استوار ساخته، اساس‌ها و پی‌های آن را ثابت قرار داده و چشمه سارهایی است که آب آن فوران می‌کند، چراغ‌هایی است که شعله‌های آن برافروخته شده، منار هدایتی است که مسافران راه حق به آن اقتدا می‌کنند، پرچم‌هایی است که برای راهنمایی پویندگان (راه خدا) نصب گردیده و آنگاه‌هایی است که واردان آن سیراب می‌شوند. خداوند منتهای خشنودی خود، بزرگترین ستون‌هایش (یعنی عبادت) و قله بلند اطاعتش (یعنی جهاد) را در آن قرار داده است. بنابراین اسلام در پیشگاه خداوند دارای ارکانی مطمئن، بنایی بلندمرتبه، دلیلی درخشنده، شعله‌های روشنی بخش، برهانی نیرومند و مناره‌های بلندپایه است که ستیز و معارضه با آن امکان پذیر نیست، پس آن را گرامی دارید، از آن تبعیت کنید؛ حق را ادا نمایید و آن را در جایگاه مناسب و شایسته خود قرار دهید و آن چنان که هست آن را بپذیرید.»

۲-۳-۲. بیان ویژگی‌های انسان پرهیزکار با هدف الگوبرداری و ارتقای شخصیت افراد.

امام علی (ع) در خطبه همام می‌فرماید: «اما پرهیزکاران در دنیا در این صفات برجسته‌اند گفتارشان راست، پوشش آنان میانه روی و خط مشی و راه رفتنشان تواضع و فروتنی است. چشمان خویش را

از آنچه خداوند بر آن تحریم نموده، پوشیده‌اند و گوش‌های خود را وقف شنیدن علم و دانش سودمند ساخته‌اند. در بلا و آسایش حالشان یکسان است (تحولات آن را دگرگون نمی‌سازد) و اگر نبود اجل و سرآمد معینی که خداوند برای آن مقرر داشت، روح‌های آنان حتی یک چشم برهم زدن از شوق پاداش و از ترس کیفر در جسم‌شان قرار نمی‌گرفت، خالق و آفریدگار در روح و جان‌شان بزرگ جلوه کرد (به همین جهت) غیر خداوند در نظرشان کوچک است. آنها به کسی می‌مانند که بهشت را با چشم دیده و در آن متنعم است و همچون کسی هستند که آتش دوزخ را مشاهده کرده و در آن مغلوب است؛ قلب‌هایشان پر از اندوه و (انسان‌ها) از شرشان در امان، بدنشان لاغر و نیازمندی‌هایشان اندک و ارواحشان عقیف و پاک است، در این مدت کوتاه در این جهان صبر و استقامت ورزیدند و راحتی بس طولانی به دست آوردند، تجارتی پرسود که پروردگارشان برایشان فراهم ساخته، دنیا با جلوه‌گری‌هایش خواست آنها را بفریبد ولی آنها فرییش را نخوردند و آن را نخواستند؛ دنیا خواست با لذات آنها را اسیر خود سازد ولی آنان با فداکاری خویشان را آزاد ساختند. (پرهیزکاران)

در شب همواره برپا ایستاده‌اند، قرآن را شمرده و با تدبیر تلاوت می‌کنند، با آن جان خویش را محزون می‌سازند و داروی درد از آن می‌گیرند، هرگاه به آیه‌ای برسند که در آن تشویق باشد با علاقه فراوان به آن روی آورند و روح و جان‌شان با شوق بسیار در آن خیره شود و آن را همواره نصب العین خود می‌سازند و هرگاه به آیه‌ای برخورد کنند که در آن بیم باشد گوش‌های دل خویشان را برای شنیدن آن باز می‌کند و صدای ناله و به هم خوردن زبانه‌های آتش جهنم با آن وضع مهیب در درون گوش‌شان طنین انداز است؛ آنان در پیشگاه خدا به رکوع می‌روند و جبین و دست و پا و زانو‌ها را به هنگام سجده به خاک می‌رسانند و از او آزادی خویش را از آتش جهنم درخواست می‌کنند.

اما در روز دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی باتقوا هستند ترس و خوف، بدن‌های آن را همچون چوبه تیر لاغر ساخته چنان که ناظران آنها را بیمار می‌پندارند اما هیچ بیماری در وجودشان نیست؛ بی‌خبران می‌پندارند آنها دیوانه‌اند، در حالی که اندیشه‌ای بس بزرگ آنان را به این وضع درآورده است از اعمال اندک خویش خشنود نیستند و اعمال فراوان خود را زیاد نمی‌بینند آن خویش را متهم می‌سازند و از

کردار خود خوفناک است، هرگاه یکی از آن ستوده شود از آنچه درباره اش گفته شده در هراس می افتند و می گوید من از دیگران نسبت به خود آگاه ترم و پروردگارم به اعمالم از من آگاه تر است.

می گوید پروردگارا مرا در مورد گناهایی که به من نسبت می دهند مؤاخذه نفرما و از نیکی هایی که درباره من گمان می برند برتر قرار ده و گناهایی که نمی دانند بیامرز و از نشانه های آنان این است دردی نیرومند، نرم خو و دوراندیش با ایمانی مملو از یقین؛ حریص در کسب دانش و دارای علم توام با حلم، میانه رو در حال غنا و در عبادت خاشع در عین تهی دستی آراسته، در شداید بردبار طالب حلال، در راه هدایت با نشاط و از طمع دور است، اعمال نیک را انجام می دهد اما باز هم ترسان است، روز را شام می سازد و همیشه در سپاسگزاری است شب را به روز می آورد و تمام فکرش یاد خداست، می خوابد اما ترسان است و برمی خیزد در حالی که شادمان است، ترس او از غفلت و شادمانی او به خاطر فضل و رحمتی است که به او رسیده؛ هرگاه نفس او در انجام وظایفی که خویش ندارد، سرکشی کند او هم از آنچه دوست دارد محروم می سازد.

روشنی چشمش در چیزی است که زوال در آن راه ندارد و بی علاقگی زهدش در چیزی است که باقی نماند، علم و حلم را به هم آمیخته و گفتار را با کردار هماهنگ ساخته؛ آرزویش را نزدیک، لغزشش را کم، قلبش را خاشع، نفسش را قانع، خوراکش را اندک، امورش را آسان، دینش را محفوظ و شهوتش را برده می بینی و خشمش را فروخورده است. همگان به خیرش امیدوار و از شرش در امانند، اگر در میان غافلان باشد جزو ذاکران محسوب می گردد و اگر در میان ذاکران باشد جزو غافلان محسوب نمی شود. ستمکار (پشیمان) را می بخشد و به آن که محرومش ساخته عطا می کند؛ با آن کس که پیوندش را قطع کرده می پیوندد، از گفتار زشت و ناسزا برکنار است، گفته هایش نرم، لب هایش پنهان و نیکی هایش آشکار است؛ نیکی هایش رو کرده و شرش رخ برتافته است.

در شداید و مشکلات خونسرد و آرام، در برابر ناگواری ها شکیبیا و در مواقع نعمت و راحتی سپاسگزار است، نسبت به کسی که دشمنی دارد ظلم نمی کند و به خاطر دوستی با کسی مرتکب گناه نمی شود. پیش از آنکه شاهد و گواهی بر ضدش اقامه شود به حق اعتراف می کند آنچه را به او سپرده اند ضایع نمی کند و آنچه را به او تذکر

دادند به فراموشی نمی‌سپارد مردم را با نام‌های زشت نمی‌خواند به همسایه‌ها زیان نمی‌رساند مصیبت زده را شماتت نمی‌کند و اگر بخندد صدایش به قهقهه بلند نمی‌شود اگر به او ستمی از دوستان شود، صبر می‌کند تا خدا انتقام وی را بگیرد خود را در سختی قرار می‌دهد اما مردم از دستش در آسایش خود را به خاطر آخرت به زحمت می‌اندازد و مردم را در راحتی قرار می‌دهد کناره‌گیری او از کسانی که دوری می‌کنند از روی زه به خاطر پاک ماندن پاک ماندن است و معاشرتش با آنان که نزدیکی دارد، توأم با مهربانی و نرمش است کناره‌گیری‌اش از روی تکبر بر خود برتر بینی نیست و نزدیکی‌اش به خاطر مکر و خدعه نخواهد بود.

۳-۳-۲. اولین وظیفه مربی تربیت خود است.

کتاب نهج البلاغه سراسر آگاهی درباره زندگی است برای کسانی که دنبال یک منبع اصیل برای یافتن راه خود می‌گردند و حضرت علی (ع) ویژگی‌هایی را برای یک راهنما در این کتاب بیان کرده است؛ ایشان تأکید بسیار بر اصلاح نفس و خودسازی دارند. «کسی که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد باید پیش از آموزش دیگران به اصلاح خود پردازد و تربیت او با کردار پیش از تربیت با گفتار باشد.» نکته بعد که از کلام ایشان برداشت می‌شود درباره اخلاق و رفتار مربی به‌عنوان یک الگوی عملی است «مردم را بدون زبان و با رفتار خود به حق دعوت کنید» و آخرین نکته درباره خودآگاهی است که اولین قدم در اصلاح خود است و اهمیت بالای آن از این عبارت مشخص می‌شود «کسی که خود را بشناسد پروردگارش را شناخته است».

۴-۲. تربیت غیر مستقیم.

در این عنوان به بررسی نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌پردازیم که نامه آن حضرت خطاب به امام حسن (ع) به فرزند بزرگ خود امام حسن (ع) است. این نامه هرچند کوتاه اما سرشار از نکات قابل تأمل در موضوع تربیت است در رابطه با این نامه نکات را در دو محور بررسی می‌کنیم مواردی که در نگارش آن رعایت شده و توصیه‌هایی که توسط حضرت علی (ع) برای فرزندان گزینش شده است.

۱-۴-۲. اصول رعایت شده در نگارش نامه

الف) دقت در انتخاب کلمات: «و چون تو را جزئی از خود بلکه تمام خود یافتم آن چنان که اگر ناراحتی به تو رسد به من رسیده و اگر مرگ دامنت را بگیرد، گویا دامن مرا گرفته به این جهت اهتمام کار تو را اتمام کار خود یافتم.»

ب) بیان حقیقت به شیوه‌ای ملایم: «دل کتابی است که چشم آن را می‌خواند» این عبارت بر تأثیر نگاه بر قلب اشاره دارد اما قابل درک و پذیرفتن برای مخاطب با سن کم است.

پ) آموزش از طریق پرسش‌های منطقی: امام علی (ع) از روش پرسش‌های منطقی و استدلالی برای آموزش استفاده می‌کنند. این روش به درک عمیق تر مخاطب کمک می‌کند و او را به تأمل و اندیشه وا می‌دارد. این روش استدلالی و پرسش برانگیز فرزند را نه تنها به پذیرش نصیحت‌ها بلکه به اندیشه درباره اهمیت و مفهوم آنها تشویق می‌کند.

ت) گفت‌وگوی اخلاقی به جای دستورالعمل مستقیم

ج) نقد سازنده به شیوه‌ای غیر مستقیم: در نامه و همچنین در کل نهج البلاغه با استفاده از استعاره‌های زیبا مفاهیم اخلاقی در لفافه بیان شده است و بیشتر تأکید بر ایجاد انگیزه درونی در افراد و واداشتن هر کس به تجزیه و تحلیل شخصی خودش است.

چ) بیان ساده و روان مفاهیم برای فهم بهتر: با اینکه حضرت خود در سطوح بالای علم هستند؛ اما متن این نامه کاملاً روان و با وجود استفاده از عبارت‌های قابل فهم اما مسائل اساسی در آن گوشزد شده است. علاوه بر اصولی که در متن تأثیرگذاری کلام را بهبود بخشیده محتوای نامه نیز قابل توجه است و از آن جهت که حضرت علی (ع) در آن بر مواردی بطور خاص تأکید کرده‌اند بررسی آن می‌تواند در امر تربیت کمک کننده باشد و ما را از سردرگمی جست‌وجو برای محتوای تربیتی نجات دهد و راهنمای ما باشد، امیرالمؤمنین علی (ع) به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

الف) پذیرش اشتباهات و اصلاح آنها: (فرزندم! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده پس آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند). در این عبارت به خودشناسی و انصاف پرهیز از خود پسندی و ترویج همدلی و اصلاح رفتار اشاره شده است.

ب) مقایسه زندگی دنیا و آخرت به منظور هدایت: «پسرم! بدان که تو برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا. برای فنا، نه؛ برای بقاست.»

پ) اعتماد به عقل و فکر برای رشد فردی: «هر کس فکر خود را به کار بیندازد حقایق را می‌بیند و راه صحیح را انتخاب می‌کند.»

ت) پرهیز از کبر و خودخواهی: این مسئله در قسمت‌های مختلف همواره مورد تأکید و توجه آن حضرت بوده است.

ث) شجاعت در برابر مشکلات و چالش‌ها: «صبر، شجاعت و زهد، ثروت و تقوا و پرهیزکاری سپری است در برابر گناهان و خطرات شیطان و هوای نفس.»

۳. نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به آسیب‌های اجتماعی موجود در محیط زندگی بیشتر از هر زمان دیگری اهمیت تعلیم و ادبیات تعلیمی احساس می‌شود؛ در این مواقع باید به دانشمندان و آگاهانی چون حضرت علی (ع) مراجعه کرد. از آنجا که این بزرگوار گنجینه‌ای سرشار برای ما به یادگار گذاشته‌اند برای بهبود روش‌های تربیتی مراجعه و بهره بردن از آن و مطابقت دادن با روش‌های تربیتی امروز امری ضروری به شمار می‌رود. پژوهشگر در تحقیق حاضر و با بررسی این کتاب با نگاهی تربیتی به نکاتی دست یافت که به مهم‌ترینشان اشاره می‌کنیم. اهمیت استفاده از داستان برای انتقال مفاهیم ارزشمند تربیتی، وظیفه مربی نخست تربیت خود و سپس راهنمایی متربی به سمت کمال است، پرهیز از هرگونه اجبار و تلقین، نشان دادن آثار خوب و بد اعمال به‌جای نصیحت و تذکر، تأکید بر تربیت غیرمستقیم و ...

منابع

- نهج البلاغه. (۱۳۹۲). (ترجمه ناصر مکارم شیرازی). انتشارات مدرسه امام علی (ع).
 آمدی، ع. (۱۳۸۶). غررالحکم و دررالکلم. مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
 دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. روزنه.
 راثی، م. (۱۳۸۳). تأثیر نهج البلاغه و کلام امیرالمؤمنین در شعر فارسی. امیرکبیر.